

Shiraz-Beethoven.ir

آموزش موسیقی به کودکان

استفاده از نشانه‌ها و تصویرسازی ذهنی

شیوا عبداللہی

موسیقی هنری انتزاعی است و به سان هنرهای تجسمی، مواد و ابزار ملموس و قابل رویت در آن وجود ندارد. به همین دلیل مربیان موسیقی دغدغهی یافتن شیوه‌هایی را دارند که به ساده‌تر کردن زبان پیچیده‌ی موسیقی به ویژه برای هنرجوی کودک کمک کند. اشاره به این نکته بسیار شایان توجه است که هنرجوی خردسال، قبل از آنکه یک هنرجوی موسیقی باشد، یک کودک است. کودکی با دنیای متفاوت از بزرگسالان و خواسته‌ها و نیازهایی که به هیچ عنوان نمی‌توان از کنار آن‌ها بی‌تفاوت عبور کرد. باید به خاطر داشت که کودک، تنها آن چیزی را می‌آموزد که برایش کشش و جذابیت داشته باشد. چیزی در ذهن و روان کودک ثبت و ضبط می‌گردد که در عین ملموس بودن نسبت به آن علاقمند نیز باشد و آن موضوع در او حس لذت و شوق پدید آورد.

وظیفه‌ای که در روند تدریس موسیقی بر عهده مربیان است، تنها آموزش مبانی موسیقی نیست. منظور از مبانی، الفبای موسیقی بدون در نظر گرفتن ارزش روانشناسانه آن‌ها است. (ویلمز، ۱۳۸۹، ص ۹)

ولی درخصوص کار با خردسالان تمامی نموده‌های اولیه موسیقی پیش از آن که به حیطه‌ی آموزش موسیقی مربوط باشد، در قلمروی آموزش عمومی خردسالان قرار می‌گیرد و توانایی‌های روانشناسانه‌ی مربی، مورد سنجش قرار می‌گیرد. علاقه‌ی کودک به موسیقی در حقیقت تا حد زیادی توسط معلم او برانگیخته می‌شود. در این مسیر، چیزی مؤثر و مفید تلقی می‌شود که موجب گردد، کودک علاوه بر آن که پاسخ مناسبی برای نیازهای روانی خود می‌گیرد، مشتاقانه بیاموزد و فرا بگیرد. درست است که کودک در دایره واژگان خود با محدودیت مواجه است، ولی عاملی مهم وجود دارد که برای او در این حوزه برگ برنده‌ای بزرگ و شاخص محسوب می‌شود. این برگ برنده تخیلات و قدرت شگفت‌انگیز کودک در خیال‌پردازی و تصویرسازی است، یعنی نکته‌ای که ناتوانی او را در فهم و دریافت کلام ثقیل و پیچیده، قابل چشم‌پوشی می‌گرداند. از طرفی عواملی که به رشد و تقویت تصویرسازی

و نشانه پردازی در موسیقی کمک می‌کنند مواردی چون قصه، روایت، نقاشی و غیره است، که در عین آن‌که جذابیت و کشش کافی را برای کودک در خود دارند موجبات رشد ذهنی و روانی کودک در کنار آموزش موسیقی را فراهم می‌آورد.

کودکان پیش از سن دبستان که در این پژوهش مورد نظر هستند، توانمندی‌هایی نظیر افکار ماجراجویانه، تصورات، کنجکاوی‌ها و اکتشافات، در خود دارند که این امکان را ایجاد می‌کند که آموزش، روند جستجوگرانه و خلاق‌تری را نسبت به آموزش در گروه‌های سنی دیگر پیدا کند. ناخودآگاه کودک توانایی یافتن روابط بین پدیده‌ها و ابژه‌ها را دارد. پس می‌تواند با طی کردن مسیر فردی و ذهنی خود، مطالب را دریافت کند. این شیوه، به کودک کمک می‌کند که هم‌زمان با فرایند یادگیری، خلاقیت خود را بروز دهد و این همان بخش است که بازی‌ها، خیال‌پردازی‌ها و گردش‌های سیال اندیشه‌اش را دربرمی‌گیرند و برای او انگیزه آفرین هستند. بدین صورت، آموزش، لذت برانگیز، هموار، پویا و عمیق‌تر خواهد بود. اکنون پرسش‌هایی که اساس کار این پژوهش می‌باشند و مورد بررسی قرار می‌گیرند را مطرح می‌نمایم.

۱- آیا لزوماً فراگیری مفاهیم پیچیده و نه چندان ساده‌ی موسیقایی از سطح درک کودک خارج است؟

۲- نقش نماد در دنیای شخصی کودک چیست و اصولاً نمادآفرینی و روند رشد کودک چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

۳- نمادآفرینی در پیشبرد اهداف آموزشی ما تا چه حد می‌تواند مؤثر باشد؟

۴- در مسیر هدایت کودک به سوی تصویرسازی و تخیل از چه ابزارهای بهره می‌جوییم؟

لازم به ذکر است که در این پژوهش از شیوه‌ی کتابخانه‌ای استفاده شده است.

در پایان لازم می‌دانم از دکتر مهرزاد پاکباز بابت پیشنهاد این موضوع و همچنین مشاوره‌های ایشان در راستای انجام این پروژه سپاس‌گزاری نمایم.

شیوا عبداللهی

پاییز ۱۳۹۷

فصل اول

- ۱-۱- نشانه‌شناسی ۱
- ۱-۲- بازنمایی در موسیقی ۳
- ۱-۳- بازنمایی و نقش آن در دنیای انتزاعی کودک ۳
- ۱-۴- کارکرد نشانه‌های یا نمادین در کودک ۵
- ۱- تقلید ۶
- ۲- بازی نمادین ۶
- ۳- نقاشی ۷
- ۴- تصویر ذهنی ۸
- ۵- زبان گفتاری ۸

فصل دوم

- ۲-۱- نقش تقلید در شکل‌گیری تجسم ۹
- ۲-۲- روند شکل‌گیری نمادها از دل بازی ۱۱
- ۲-۲-۱- چگونگی شکل‌گیری رفتارهای آیین‌گرایانه ۱۱
- ۲-۲-۲- سرآغاز پیدایش نمادآفرینی ۱۲
- ۲-۲-۳- چگونگی گذر نماد بازی‌گونه، از دوره حرکتی به دوره تجسمی ۱۴
- ۲-۳- بازی: ابزار خلق واقعیتی مطلوب ۱۵
- ۲-۴- چرا کودک نمادآفرینی می‌کند؟ ۱۶
- ۲-۵- سرآغاز نقاشی در کودک ۱۷
- ۲-۵-۱- چرا تصویر در مقایسه با زبان، نزد کودک نقش مؤثرتری دارد؟ ۱۸

فصل سوم

- ۳- «تجسم» از منظر روان‌شناختی ۲۱
- ۳-۱- کارکرد نشانه‌ای و آغاز تخیل هنری ۲۲
- ۳-۲- نقش تخیل در ارتقاء کیفیت فراگیری موسیقی ۲۳
- ۳-۳- بازی، حرکت و تصویرسازی ذهنی ۲۴
- ۳-۴- استفاده از تصویر برای بهبود قدرت تجسم ۲۷
- ۳-۴-۱- ویژگی‌های تصاویر مناسب برای کودکان ۴-۷ سال ۲۹

فصل چهارم

- ۴-۱- نقش تداعی معنی در تصویرسازی ذهنی ۳۱
- ۴-۲- نقش تداعی معنی در فراگیری موسیقی ۳۲
- ۴-۳- آثار موسیقی تصویرگرایانه در روند آموزشی و نمونه‌هایی از آنها ۳۵
- ۴-۴- قصه و تصویرسازی ذهنی ۳۶
- ۴-۴-۱- منطق روایی قصه ۳۷
- ۴-۴-۲- منطق بصری (تجسمی) قصه ۳۸
- ۴-۴-۳- شخصیت‌پردازی و نام‌گذاری در قصه ۳۹
- نتیجه‌گیری ۳۹
- فهرست منابع ۴۳
- ب- مقالات ۴۳

فصل اول

۱-۱. نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی، علم نشانه‌ها یعنی واحدهای دلالت‌گر (علامت‌های روشنگر معناها و بیان‌گران زمینه‌های واقعی) است. برخی از نشانه‌شناسان به پژوهش ارتباط‌های نشانه‌ای جانوران نیز پرداخته‌اند، اما در اکثر موارد بحث در حد انواع ارتباط و دلالت‌های انسانی پیش می‌رود. ریشه‌ی واژه‌ی sign لغت یونانی Semeion به معنای «نشانه» و «علامت» است. یک نشانه بیان چیزی جز خود است. به گمان فردینان دو سوسور زبان‌شناس سوئسی هر نشانه از طریق علامت‌های مادی، مفهومی از چیزی را می‌آفریند و معرفی می‌کند. چارلز سندرس پیرس فیلسوف و منطق‌دان آمریکایی از سه‌گانه‌ای یاد کرده بود:

(۱) خود پدیده.

(۲) بازنمایی پدیده با علائم. Shiraz-Beethoven.ir

(۳) مفهوم ذهنی پدیده.

شکل دیگر این سه‌گانه اثره (Object) بازنما (Representmen) و تاویل‌گر (Interpretant) است.

نشانه می‌تواند طبیعی یا قراردادی باشد. دودی که از آتش برمی‌خیزد نشانه‌ای طبیعی است و ما با دیدن آن متوجه وجود آتش می‌شویم. واژه‌ها در زبان (مثل «دود» یا «آتش» در زبان فارسی) نشانه‌هایی قراردادی هستند، ما نمی‌دانیم چه زمانی این واژه‌ها ابداع شدند، اما هر

کاربر زبانی با آن‌ها آشنا است. دود به عنوان نشانه‌ای طبیعی، کد است زیرا همگان با دیدن آن به معنایی واحد پی می‌برند. ولی واژه‌ی «دود» نشانه است، قراردادی پذیرفته شده میان فارسی‌زبانان است و باید با توجه به زمینه و عبارت معنا شود. سوسور نشانه را متشکل از دو عنصر می‌دانست. یکی دال یا همان شکل مادی نشانه و دیگری مدلول یا مفهومی که از این شکل نتیجه می‌شود. واژه‌ی «درخت» دال و تصور درخت در ذهن فردی خاصی مدلول است. مدلول با خود پدیده یا اثره (در مثال بالا، درختی در دنیای واقعی) یکی نیست.

پیرس انواع نشانه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کرد:

۱- تصویری یا بازنمایی تصویری پدیده، مثل عکس یک درخت که نشانه‌ای از آن است؛

۲- نمایه‌ای یا نتیجه‌ی پدیده، مثل دود که نتیجه‌ی آتش است؛

۳- نمادین یا نشانه‌ی قراردادی، مثل واژه‌ی «آتش» که به واقعیت فیزیکی آتش اشاره دارد.

دسته‌بندی نشانه‌ها به شکل‌های فراوان ممکن است. نشانه‌های کلامی (یا به معنایی وسیع‌تر نشانه‌های آوایی) و نشانه‌های نوشتاری (یا به معنایی وسیع‌تر نشانه‌های گرافیک) از انواع دسته بندی است. در این دسته بندی نشانه‌های موسیقایی به نشانه‌های گفتاری و کلامی نزدیک‌اند، زیرا ماده‌ی هر دو صدا است، اما نشانه‌های نوشتاری موسیقی (نت‌نویسی) به نشانه‌های گرافیک متعلق‌اند.

Shiraz-Beethoven.ir

نشانه‌ای خاص را «بت دارد. ریشه‌ی واژه‌ی «کد» لغت

لاتینی codex به معنای «خط‌کش» است. یکی از معانی آن که در نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی مطرح می‌شود: نشانه‌ای که معنای آن نزد فرستنده و گیرنده‌ی پیام مشترک، صریح و روشن باشد. رنگ‌های چراغ‌های راهنمایی و علائم رانندگی در خیابان‌ها کد هستند. تصویر یک کاخ بزرگ در آغاز فیلم کدی است که معنای آن برای تماشاگران روشن است: فیلم در محیطی اشرافی آغاز شده است. در موسیقی برخی از صداها (عبارت‌های موسیقایی یعنی رشته‌ای از تن‌ها) بنا به سبک دوران تبدیل به کد می‌شوند. (احمدی، ۱۳۹۴، ص ۴۴۴-۴۴۶)

۲-۱- بازنمایی در موسیقی

لغت لاتینی representare به معنای «نمایندگی»، «بازنمایی» و «نمایش» است. مفهوم «بازنمایی» به مفهوم‌های بیان و بیانگری گره خورده است. زمانی که یک نقاش تصویر درختی را ترسیم کند، اثر او بازنمایی آن درخت است، اما همچنین می‌توان گفت که اثر او بیانگر احساس یا برداشت او از آن درخت نیز هست.

این باور که اثر هنری تقلید واقعیتهای خارج از خود، یا بیانگر حالت روحی پدیدآورنده یا بیان درگیری‌ها است، در نظریه‌های هنری فرضی قدیمی است. بازنمایی واقعیت خارجی در اثر هنری را در آثار فلسفی یونان باستان mimesis به معنای «تقلید» می‌خواندند.

در هنرهای بصری اصطلاح «بازنمایی» به جای تقلید به کار می‌رود. در مکتب‌های رئالیسم و ناتورالیسم منش بازنمایی نقاشی سلطه داشت. اما در موسیقی نمی‌توان چیزی را به طور قاطعانه با مواد موسیقایی هم معنا و برابر دانست. موسیقی به ندرت بازتاب یا بازنمایی واقعیتهای بیرون از متن است. موسیقی رئالیست وجود ندارد. برخلاف نقاشی، ادبیات، تئاتر و سینما (که با نورتالیسم ایتالیایی نمونه‌های هنر رئالیستی سده‌ی بیستم را ارائه کرد) موسیقی بیان سراسر است و بی‌میانجی واقعیت عینی نیست. (احمدی، ۱۳۹۴، ص ۶۶ ص ۶۷)

Shiraz-Beethoven.ir

۳-۱- بازنمایی و نقش آن در دنیای انتزاعی کودک

کودکان نیاز دارند تجارب احساسات و عقاید خود را بازنمایی کنند تا بتوانند آن‌ها را با دیگران در میان بگذارند. به هنگام بازنمایی کاری می‌کنیم که شیء یا نشانه‌ای به جای چیز دیگری نمایان شود. برای مثال، با استفاده از نخیل، کودک وانمود می‌کند که عروسک بچه‌ی واقعی است یا با کشیدن تصویری تجربه‌ی خود را از رفتن به باغ وحش نشان می‌دهد. زبان نیز فرمی از بازنمایی سمبولیک است و واژه‌ها نمایانگر چیزی در جهان واقعی هستند. ماتوز (۱۹۹۴) بر اهمیت دست‌یابی کودک به این توانایی تاکید می‌کند. از طریق زبان، درک سایر